خبر

شهادت ۹۳ فلسطینی در غزه از زمان آغاز آتش‌بس

به‌گفته وزارت بهداشت غزه، از زمان آغاز آتش‌بس در یازدهم اکتبر، در مجموع ۹۳ فلسطینی توسط رژیم صهیونیستی به شهادت رسیده‌اند.

این وزارتخانه اعلام کرد که از زمان برقراری آتش‌بس تاکنون، ۳۲۴ نفر دیگر نیز در حملات مکرر نیروهای اسرائیلی زخمی شده‌اند. براساس گزارش این نهاد، تنها در ۴۸ ساعت گذشته، ۱۹ نفر در حملات جدید اسرائیل به مناطق مختلف غزه به شهادت رسیده و هفت نفر دیگر مجروح شده‌اند. وزارت بهداشت غزه تأکید کرد که این حملات، نقض آشکار آتش‌بس و قوانین بین‌المللی است و نشان می‌دهد رژیم اشغالگر همچنان به سیاست‌های خصمانه و نسل‌کشی خود ادامه می‌دهد.

طبق آمار رسمی منتشرشده، شمار شهدای جنگ نسل‌کشی دوساله اسرائیل از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون به ۶۸ هزار و ۵۱۹ نفر رسیده است. همچنین تعداد زخمی‌ها به ۱۷۲ هزار و ۳۸۲ نفر افزایش یافته است. این وزارتخانه در پایان خواستار اقدام فوری جامعه جهانی برای توقف تجاوزات رژیم صهیونیستی و ارسال کمک‌های انسانی فوری به مردم تحت محاصره غزه شد.



ذره‌بین

توافق گروه‌های فلسطینی در قاهره برای نحوه اداره غزه



گروه‌های فلسطینی اعلام کردند که بر سر واگذاری اداره نوار غزه به یک کمیته موقت فلسطینی متشکل از افراد مستقل و تکنوکرات از میان ساکنان غزه به توافق رسیده‌اند. این تصمیم پس از نشستی در قاهره، پایتخت مصر اتخاذ شد. در بیانیه پایانی نشست آمده که وظیفه این کمیته، مدیریت امور زندگی، خدمات عمومی و بازسازی نوار غزه در هماهنگی با طرف‌های عربی و نهادهای بین‌المللی، براساس اصول شفافیت، پاسخگویی و مصالح ملی خواهد بود.

این گروه‌ها همچنین از تشکیل یک کمیته بین‌المللی برای نظارت بر تأمین مالی و اجرای طرح بازسازی خبر دادند و بر ضرورت حفظ وحدت نظام سیاسی فلسطین و استقلال تصمیم ملی تأکید کردند. آنان توافق کردند که تمام اقدامات لازم برای حفظ امنیت و ثبات در سراسر نوار غزه اتخاذ شود و بر اهمیت صدور قطعنامه سازمان ملل درباره استقرار نیروهای موقت بین‌المللی برای نظارت بر آتش‌بس تأکید ورزیدند.

در این بیانیه تأکید شد که مرحله کنونی نیازمند موضعی ملی، متحد و یک چشم‌انداز سیاسی مشترک مبتنی بر وحدت و سرنوشت جمعی است. گروه‌ها تأکید کردند که وحدت ملی تنها پاسخی قاطع به سیاست‌های تجزیه‌طلبانه دشمنان فلسطین است و باید همه گام‌های ضروری برای تحقق آن برداشته شود. در پایان، نیروهای فلسطینی خواستار برگزاری نشست فوری تمامی گروه‌ها برای توافق بر سر استراتژی ملی و فعال‌سازی سازمان آزادیبخش فلسطین به‌عنوان تنها نماینده قانونی ملت فلسطین شدند. نشست قاهره به دعوت مصر و برای بررسی تحولات آرمان فلسطین و مرحله دوم طرح ترامپ درباره غزه برگزار شد و هدف آن، تقویت پروژه ملی و بازیابی وحدت بود.

موافقت آمریکا با سرقت اموال روسیه به نفع اوکراین



به‌گزارش منابع آمریکایی نزدیک به کاخ سفید، دولت دونالد ترامپ آماده است در صورتی که ولادیمیر پوتین همچنان در پایان‌دادن به جنگ علیه اوکراین تعلل کند، تحریم‌های تازه‌ای را علیه بخش‌های کلیدی اقتصاد روسیه، از جمله حوزه انرژی، بانکی و صنایع دفاعی، اعمال کند. مقامات آمریکایی گفته‌اند که واشنگتن به همتایان اروپایی خود اطلاع داده از استفاده اتحادیه اروپا از دارایی‌های مسدودشده روسیه برای خرید تسلیحات و تأمین مالی ارتش اوکراین حمایت می‌کند. همچنین، گفت‌وگوهایی میان وزارت خزانه‌داری آمریکا و متحدان غربی در مورد بهره‌گیری از دارایی‌های روسی نگهداری‌شده در ایالات متحده برای پشتیبانی از تلاش‌های جنگی کی‌یف در جریان است. با این حال، هنوز مشخص نیست واشنگتن در کوتاه‌مدت این اقدامات را به‌صورت عملی اجرا خواهد کرد یا خیر.

منابع نزدیک به دولت ترامپ می‌گویند این طرح بخشی از راهبرد فشار حداکثری کاخ سفید برای وادارکردن کرملین به پذیرش مذاکره و توقف عملیات نظامی در اوکراین است. کارشناسان بر این باورند که این تصمیم، ادامه سیاست سختگیرانه ترامپ در قبال مسکو پس از بازگشت او به قدرت محسوب می‌شود. ترامپ در حالی که خود را به‌عنوان میانجی جهانی معرفی کرده است، حالا اعتراف کرده که پایان‌دادن به جنگ پیچیده‌تر از آن بوده که در ابتدا تصور می‌کرد. تحلیلگران معتقدند تحریم‌های جدید، به‌ویژه علیه شرکت‌های بزرگ نفتی مانند «روس‌نفت» و «لوک‌اویل»، می‌تواند از نظر سیاسی و نمادین اهمیت داشته باشد اما احتمالا به‌تنهایی قادر به پایان‌دادن به جنگ نخواهد بود.

حمایت‌های نظامی کشورهای اروپایی از زلنسکی مانع از پایان جنگ اوکراین شده است

اتاق جنگ اوکراین در بروکسل





مهدی سیف‌تبریزی
گروه بین‌الملل

جهان با چشمانی پر از امید به پایان بحران اوکراین می‌نگرد اما اروپا، با تصمیمی تازه، این امید را به خاکستر بدل کرده است. در آخرین روز مهرماه، سوئد و اوکراین با امضای تفاهم‌نامه‌ای، راه را برای ارسال ۱۵۰ فروند جنگنده گریپن هموار کردند. جنگنده‌هایی پیشرفته با رادارهای هوشمند، سنسورهای مبتنی بر هوش مصنوعی و موشک‌های دوربرد که می‌توانند بر توان هجومی و دفاعی اوکراین تأثیرگذارند. تنها دو روز بعد، در دوم آبان‌ماه، امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، با اعلام ارسال جنگنده‌های میراژ۲۰۰۰ و موشک‌های سطح‌به‌هوای آستر، عزم پاریس برای تقویت نظامی اوکراین را به رخ کشید. این هواپیماها، مجهز به رادارهای پیشرفته و موشک‌های میکا برای رهگیری تهدیدات هوایی، بخشی از بسته کمکی هستند که تاکنون کی‌یف سه فروند از شش فروند آن را تحویل گرفته است. این اقدامات، در حالی که دونالد ترامپ از «توقف فوری درگیری» سخن می‌گوید و برای دیدار با ولادیمیر پوتین تلاش می‌کند، نه‌تنها آتش جنگ را شعله‌ورتر کرده، بلکه هر روزنه‌ای برای گفت‌وگو را مسدود کرده است. اروپا، که خود را نگهبان ارزش‌های بشری می‌خواند، با این تصمیمات، نقشی جز ویرانگر صلح ایفا نمی‌کند.

اروپا چگونه جنگ را فرسایشی کرد

این تحولات، فراتر از یک معامله تسلیحاتی، پرده از استراتژی مخرب اروپا در قبال جنگ اوکراین ـ روسیه برمی‌دارند. درحالی که ترامپ با شعارهای گوناگون برای صلح، به‌دنبال احیای گفت‌وگو با پوتین است و در آخرین وعده دیدار که قرار بود سه‌شنبه این هفته در بوداپست برگزار شود و به‌دلیل اختلافات زیاد در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت. عمده این اختلافات به‌دلیل نقش رهبران اروپایی بود که با تحمیل شروط سیاسی غیرممکن و حمایت‌های نظامی، هر امکانی برای دیپلماسی را نابود می‌کنند. اجلاس شورای اروپا در اول آبان به بن‌بست رسید؛ بلژیک، فرانسه و لوکزامبورگ بر سر استفاده از ۳۰۰ میلیارد یورو دارایی‌های بلوکه‌شده روسیه برای وام ۱۴۰ میلیارد یورویی به اوکراین به توافق نرسیدند و بهانه‌هایی چون «پیچیدگی‌های حقوقی» و «تقسیم ریسک» را پیش کشیدند. این اختلافات که مسکو آن را «دزدی آشکار» می‌خواند، نه‌تنها اوکراین را در تنگنای مالی نگه می‌دارد، بلکه فضای اعتماد لازم برای مذاکره را مسموم می‌کند. سفیر روسیه در اتحادیه اروپا این اقدامات را «تلاشی عمدی برای خرابکاری در مسیر صلح» توصیف کرد؛ اتهامی که با رفتار اروپا همخوانی کامل دارد.

انگیزه‌های پنهان اروپا برای تداوم جنگ

چرا اروپا، با ادعای دفاع از دموکراسی، در برابر صلح ایستاده است؟ پاسخ در منافع اقتصادی و ترس‌های ژئوپلیتیک نهفته است.

نخست، سود سرشار صنایع تسلیحاتی: ارسال ۱۵۰ جنگنده گریپن برای شرکت ساب سوئد، قراردادی چندمیلیارد دلاری است که تولید و اشتغال را در اقتصادی راکد تضمین می‌کند. فرانسه نیز با میراژهایش، شرکت داسو را به بازیگری کلیدی در بازار تسلیحات بدل کرده؛ مکرون که بودجه دفاعی را به ۲/۵ درصد تولید ناخالص داخلی رسانده، آشکارا از این صنعت حمایت می‌کند. این سودجویی که منتقدان آن را «جنگ برای پول» می‌نامند، درکاهش ۵۷ درصدی کمک‌های نظامی اروپا در تابستان ۲۰۲۵ نمود یافت؛ کاهشی که نه از خستگی، بلکه از استراتژی مدیریت بودجه برای حفظ انحصار تسلیحاتی ناشی شد. ابتکار «لیست اولویت‌های اوکراین» که توسط ناتو آماده شده، با ۲۰۰ میلیون دلار موشک کروز و پهپاد، برای پر کردن این خلأ طراحی شد اما بدون نقشه‌ای برای پایان جنگ، تنها به تداوم درگیری دامن می‌زند.

دیپلماسی ممنوعه

ترس‌های ژئوپلیتیک، لایه دیگری از این رویکرد مخرب است. بریتانیا، آلمان و کشورهای بالتیک از صلحی که به بازگشت روسیه به صحنه اروپا منجر شود، وحشت دارند. کی‌یر استارمر، با محکوم کردن حملات روسیه به نیروگاه زاپوریژیا و درخواست تحریم‌های جدید بر نفت مسکو، فضایی خصمانه ایجاد کرده که مذاکرات را غیرممکن می‌سازد. لهستان و کشورهای بالتیک، با هراس تاریخی از روسیه، هر گفت‌وگویی را «تسلیم» می‌دانند. آنگلا مرکل فاش کرد که این کشورها در سال ۲۰۲۱ مذاکرات اتحادیه با پوتین را به شکست کشاندند، الگویی که امروز شدت گرفته است. اتحادیه اروپا رسما مذاکرات مستقیم با مسکو را برای کشورهای عضو ممنوع کرده و حتی مجارستان که برای میانجی‌گری تلاش کرد، با خشم بروکسل روبه‌رو شد. این رویکرد، ریشه در ایدئولوژی «روسیه دشمن ابدی» دارد و مذاکرات احتمالی پوتین ـ ترامپ را به بن‌بست می‌کشاند.

اروپا و چرخه بی‌پایان خشونت

شروط سیاسی اروپا نیز راه صلح را سد کرده است. پیشنهاد آتش‌بس ۱۲ ماده‌ای اروپا و اوکراین که بر «خطوط فعلی جبهه» استوار است، برای مسکو غیرقابل قبول است، زیرا به معنای پذیرش وضعیت کنونی دونباس است. زلنسکی، در دیدار با رهبران اروپایی بر «تغییر بازی» با تسلیحات تأکید کرد اما این تسلیحات ـ از موشک‌های استورم شادو و اسکالپ با برد ۲۵۰۰ کیلومتر تا جنگنده‌های گریپن و میراژ ـ تنها چرخه خشونت را تداوم می‌بخشند. حمله اخیر اوکراین به کارخانه انفجاری در برایانسک، با موشک‌های بریتانیایی و فرانسوی، می‌تواند استراتژی روسیه را در جنگ پیش‌رو با تغییرات فراوانی روبه‌رو سازد که این امر به وضوح به میزان تلفات و فرسایشی شدن جنگ بینجامد. این اقدامات، که اروپا آن را «دفاع از اوکراین» می‌خواند، جنگ را فرسایشی‌تر کرده و کی‌یف را در وضعیتی شکننده نگه می‌دارد؛ نه به سوی پیروزی، بلکه در آستانه فروپاشی. اروپا، با ارسال بیش از ۴۸/۵ میلیارد یورو تسلیحات، از اف-۱۶های هلند و بلژیک تا سیستم‌های پاتریوت آلمان، خود را ستون فقرات این جنگ معرفی کرده اما بدون استراتژی خروج، تنها به طولانی شدن فاجعه کمک می‌کند. در حالی که ترامپ درخواست زلنسکی برای موشک‌های تاماهاوک را رد کرد و بر صلح تأکید دارد، اروپا با اجازه استفاده از موشک‌های دوربرد علیه خاک روسیه، سعی دارد تا خود را به‌عنوان بازیگر اصلی و تأثیرگذار این درگیری معرفی کند. این دوگانگی، که ژنرال‌های آلمانی آن را با هشدار درباره «خطر برای دموکراسی اروپا» توجیه می‌کنند، ریشه در خودخواهی قاره سبز دارد؛ اروپا نه برای اوکراین، بلکه برای حفظ هویت پساجنگ سرد خود می‌جنگد.

اوکراین، قربانی خودخواهی اروپا

اوکراین، قربانی اصلی این بازی است. نیروی هوایی تقویت‌شده با گریپن و میراژ، گرچه توان دفاعی کی‌یف را افزایش می‌دهد اما با حملات متقابل روسیه به زیرساخت‌های انرژی، تنها رنج مردم را دوچندان می‌کند. اروپا، با امتناع از دیپلماسی و اصرار بر فشار حداکثری، نه ناجی، بلکه همدست این فاجعه انسانی است. تا زمانی که بروکسل از سودجویی صنایع تسلیحاتی و ترس‌های ژئوپلیتیک خود دست نکشد، صلح در اوکراین رؤیایی دست‌نیافتنی باقی خواهد ماند.

با ادامه تعطیلی دولت، کاخ سفید سفره فقرا را هدف گرفته است

آمریکایی‌ها نگران کوپن غذا



دولت ترامپ در اقدامی بحث‌برانگیز، از تخصیص بودجه اضطراری برای تأمین مزایای غذایی میلیون‌ها آمریکایی خودداری کرده است؛ تصمیمی که طبق گزارش رسانه پولیتیکو، امنیت غذایی حدود ۴۲ میلیون نفر از شهروندان فقیر این کشور را به خطر می‌اندازد. در حالی که تنها چند روز تا پایان بودجه رسمی باقی مانده، وزارت کشاورزی اعلام کرده قصد ندارد از صندوق‌های ذخیره یا برنامه‌های جایگزین برای جبران این کمبود استفاده کند.

این تصمیم، برنامه کمک تغذیه‌ای آمریکا موسوم به اسنپ را فلج می‌کند؛ سازوکاری که سال‌هاست با کارت‌های اعتباری ویژه، غذای خانواده‌های کم‌درآمد را تأمین می‌کند. منابع مالی این برنامه به پایان رسیده و صندوق احتیاطی آن نیز فقط نیمی از بودجه موردنیاز را پوشش می‌دهد. کارشناسان هشدار داده‌اند که حتی در صورت برداشت اضطراری، روند توزیع کمک‌ها هفته‌ها زمان خواهد برد. اکنون، دولت ترامپ در برابر بحرانی انسانی قرار گرفته است؛ بحرانی که می‌تواند به توقف گسترده پرداخت‌های غذایی و افزایش گرسنگی در میان اقشار آسیب‌پذیر منجر شود. با نزدیک شدن پایان ماه نوامبر، هر ساعت تعلل کاخ سفید می‌تواند سفره میلیون‌ها آمریکایی را خالی‌تر کند و نشانه‌ای دیگر از شکاف عمیق طبقاتی در سرزمین نابرابری‌ها باشد.

فقر برنامه‌ریزی‌شده

مطابق آمارها، در آمریکا حدود ۱۰/۶ درصد جمعیت معادل نزدیک به ۳۵/۹ میلیون نفر در فقر رسمی زندگی می‌کنند. سطح فقر تحت معیار تکمیلی (Supplemental Poverty Measure) نیز حدود ۱۲/۹ درصد است. اگرچه این ارقام در مقایسه با سال‌های قبل تغییرات گسترده‌ای نداشته‌اند، نشان می‌دهند که میلیون‌ها شهروند آمریکایی همچنان در آستانه تأمین ضروریات اولیه زندگی قرار دارند. در کنار این اعداد، سیاست‌های دولت ترامپ به‌ویژه در حوزه کمک‌های اجتماعی و مقررات مربوط به برنامه‌هایی مثل کمک غذایی (SNAP) و محدودیت‌های جدید برای دریافت کمک‌ها، توسط منتقدان به‌عنوان «دشمنی ساختاری» نسبت به فقرا توصیف شده است.

درنتیجه، جمعیت قابل‌توجهی از آمریکایی‌ها در فقر زندگی می‌کنند و سیاست‌های اخیر از دید بسیاری تضعیف شبکه ایمنی اجتماعی است. محدودیت‌ها در دریافت کمک اجتماعی، تأخیر یا انصراف از تخصیص بودجه اضطراری و اولویت‌بندی برنامه‌های دیگر، همه باعث افزایش نگرانی درباره تأمین معیشت فقیرترین قشر جامعه شده‌اند؛ گویی فقر نه صرفا یک وضعیت اقتصادی بلکه هدفی در سیاست‌گذاری محسوب می‌شود.

در خدمت سرمایه‌داری

در سیاست اقتصادی دولت ترامپ، طرح‌های مالیاتی جدید عمدتا به نفع ثروتمندان اجرا شده‌اند؛ برای مثال قانونی که به نام لایحه بزرگ و زیبا (One Big Beautiful Bill) لقب گرفته، تخفیف مالیاتی گسترده‌ای را برای طبقات بالا تثبیت می‌کند و هزینه آن را از جمله از طریق کاهش بودجه عمومی بر دوش طبقات کم‌درآمد گذاشته شده است.

علاوه بر این، تحلیلگران هشدار داده‌اند که تکیه بر کاهش مالیات برای شرکت‌ها و ثروتمندان، همراه با سیاست تعرفه‌ای گسترده، موجب افزایش بار مالی بر دستمزد کارکنان و خانه‌دار شدن هزینه‌های مصرفی برای خانواده‌های متوسط و فقیر می‌شود. به عنوان نمونه، مدل بودجه دانشگاه وارتون پنسیلوانیا پیش‌بینی کرده تعرفه‌های ترامپ می‌تواند درآمد یک خانواده متوسط را در بلندمدت تا حدود ۵ درصد کاهش دهد.

بنابراین، گفتمان اقتصادی این دولت بیشتر انعکاس‌دهنده منافع سرمایه‌گذاران بزرگ، شرکت‌های قدرتمند و افراد پردرآمد تا تأمین عدالت اقتصادی یا ارتقای رفاه عمومی است. درعوض، فشار مالی و محدودیت در کمک‌های اجتماعی بر خانواده‌های فقیر و متوسط افزایش یافته و شکاف طبقاتی ممکن است روزبه‌روز عمیق‌تر شود.

معیشت، قربانی بازی‌های سیاسی

در آمریکا، مناقشات حزبی بین دموکرات‌ها و جمهوریخواهان در کنگره به تعطیلی طولانی دولت تبدیل شده است؛ اختلاف بر سر تمدید یارانه‌های بیمه درمانی (ACA)، بودجه مدیکید (برنامه بهداشتی واشنگتن برای خانواده‌ها و افراد با منابع و درآمد کم) و سوبسیدهای سلامت، مهم‌ترین موانع برای آغاز به‌کار دوباره دولت است.

تعطیلی ناشی از اختلاف حزب‌ها، تنها نماد سیاسی نیست بلکه معیشت میلیون‌ها آمریکایی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ کارکنان فدرال حقوق نگرفته‌اند، برنامه‌های سلامت عمومی دچار اختلال شده‌اند و خانوارهای متوسط و کم‌درآمد در انتظار خدماتی مانده‌اند که باید از دولت دریافت می‌کردند. به این ترتیب، معیشت مردم در جایگاه بازی قدرت سیاسی قرار گرفته است؛ هر بار که یکی از طرفین حاضر به کوتاه آمدن نیست، هزینه آن را مصرف‌کننده عادی، کارمند فدرال، خانواده فاقد بیمه یا بیمار می‌پردازد. این وضعیت نشان‌دهنده آن است که قانون‌گذاری مالی نه ابزار بودجه بلکه اهرمی برای فشار سیاسی میان دو حزب است.

ساختار اقتصادی معیوب

در آمریکا، ضریب جینی حدود ۴۱/۳ است که نشان‌دهنده یکی از بالاترین سطوح نابرابری درآمد در میان کشورهای توسعه‌یافته است. این اندازه اختلافِ درآمد که فاصله بین فقیرترین و ثروتمندترین دهک‌ها را نشان می‌دهد، در مقایسه با بسیاری از کشورهای درحال توسعه جنوب شرق آسیا چشمگیر است، جایی که ضریب‌های جینی معمولا پایین‌ترند. در جنوب شرق آسیا، نرخ فقر با معیارهای بین‌المللی نیز هنوز قابل توجه است ولی سطوح فقر به شکل متغیر بین کشورها متفاوت است؛ برای مثال، فیلیپین نرخ فقر حدود ۱۵/۵ درصد را گزارش کرده است. این داده‌ها نشان می‌دهد اگرچه برخی از کشورها چالش‌های اقتصادی بزرگی دارند، اما توزیع درآمد در آن کشورها معمولا انحراف کمتری در برابری کامل نسبت به آمریکا دارد. از نظر ساختاری، اقتصاد آمریکا ترکیبی است از ثروت بزرگ خصوصی، مالیات پایین‌تر برای طبقات خاص و سیستم رفاهی پیچیده اما غیریکپارچه که موجب می‌شود نابرابری درآمد در این کشور عمیق‌تر باقی بماند. در مقابل بسیاری از کشورهای جنوب شرق آسیا در حال تلاش برای گسترش سیاست‌های اجتماعی، کاهش فقر مطلق و کنترل شکاف درآمدی‌اند، هرچند محدودیت‌ها، فساد اداری و ساختار اقتصادی‌شان نیز مانع بزرگی است. درنتیجه، اگرچه فقرا در هر دو قاره آسیب‌پذیرند، ساختار نابرابر در آمریکا از لحاظ نسبت ثروتمند به فقیر و تأثیر سیاست‌گذاری، واضح‌تر و شدیدتر به نظر می‌رسد.

برش

مرثیه‌ای برای رویای آمریکایی

با چشم‌انداز مبهم گشایش مجدد دولت بواسطه بحران سیاسی، روزی رؤیای آمریکایی نوید برابری، فرصت و رفاه برای همگان بود؛ رؤیایی که مهاجران از سراسر جهان را به امید ساختن آینده‌ای بهتر جذب می‌کرد، این رؤیا اکنون در سایه شکاف طبقاتی، بدهی‌های سنگین و هزینه‌های سرسام‌آور زندگی رنگ باخته است. کارگران آمریکایی که سه شیفت کار می‌کنند اما توان خرید خانه ندارد، این دیگر نماد موفقیت نیست، بلکه نشانه مرگ تدریجی عدالت اقتصادی است. در خیابان‌های شلوغ نیویورک و لس‌آنجلس، برق نئون و برج‌های شیشه‌ای تنها نقابی بر چهره نابرابری‌اند. نسل جوان، با بدهی دانشگاهی و اجاره‌خانه‌ای که هر روز بالاتر می‌رود، رؤیایی را دنبال می‌کند که دیگر به آن تعلق ندارد. وعده «هرکس می‌تواند موفق شود» تبدیل به امتیازی طبقاتی شده که فقط در دست اقلیتی ثروتمند باقی مانده است. آمریکا هنوز نام آزادی را یدک می‌کشد اما آزادی بدون امنیت معیشتی، دردی بی‌صداست. رؤیای آمریکایی به آرامی به افسانه‌ای بدل شده که تنها در تبلیغات سیاسی و فیلم‌های هالیوود زنده است. مردمانی که روزی به امید ساختن آینده‌ای روشن آمده بودند، اکنون در تاریکی بدهی و فقر به‌دنبال نوری می‌گردند که دیگر در افق این کشور نمی‌درخشد.